

تحلیل فقهی - حقوقی

روابط مالی زوجین

پس از انحلال عقد نکاح

در رویه قضایی

تألیف

دکتر سید محمد رضوی

عضو هیأت علمی دانشگاه بیرجند

وکیل پایه یک دادگستری



مجمع علمی و فرهنگی مجد

سرشناسه	: رضوی، سید محمد
عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	: تحلیل فقهی - حقوقی «روابط مالی زوجین» پس از انحلال عقد نکاح در رویه قضایی/تالیف سیدمحمد رضوی.
مشخصات نشر	: تهران: مجد، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری	: ۳۹۹ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۵-۷۰۴-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: اموال زوجین -- ایران Marital property -- Iran اموال زوجین (فقه) (Marital property (Islamic law زناشویی -- قوانین و مقررات -- ایران Marriage law -- Iran طلاق -- قوانین و مقررات -- ایران Divorce -- Law and legislation -- Iran
	KMHE۴۰ : رده بندی کنگره
	۳۴۶/۵۵۰۱۵ : رده بندی دیویی
	۸۵۵۳۳۲۷ : شماره کتابشناسی ملی
	اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

هرگونه تکثیر کامل یا قسمتی از کتاب بدون اجازه پدیدآورنده یا ناشر، خلاف قانون، شرع و اخلاق است.
مبارک خلیف را به دفتر مرکزی مجده گزارش فرمایید.

دفتر مرکزی مجده:

تهران، میدان انقلاب، تقاطع خیابان منیری جاوید و شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۷

تلفن و دورنگار: ۲۶۴۹۵۰۳۴ - ۲۶۴۱۲۷۷ - ۲۶۹۶۳۳۸۶

فروشگاه: تقاطع خیابان منیری جاوید و شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۹

تلفن: ۲۶۴۸۶۸۷۴ - ۲۶۴۰۹۴۲۲

www.majdpub.ir E- mail: info@majdpub.ir

صفحه رسمی انتشارات مجد در اینستاگرام: majdlaw

کانال رسمی انتشارات مجد در تلگرام: @majdlaw

تحلیل فقهی - حقوقی «روابط مالی زوجین»

پس از انحلال عقد نکاح در رویه قضایی

تألیف:	دکتر سید محمد رضوی
ناشر:	انتشارات مجد
چاپ اول:	۱۴۰۱
تعداد:	۵۰۰ نسخه
شابک:	ISBN: 978 - 622- 225- 704- 0 ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۲۲۵ - ۷۰۴ - ۰

حق چاپ محفوظ و منحصراً «مجد» است.

فهرست مطالب

۱۵.....	سرآغاز
۱۹.....	مقدمه
۲۰.....	مبحث اول: تبیین مفاهیم
۲۰.....	گفتار اول: طلاق
۲۰.....	الف: تعریف طلاق
۲۱.....	ب: ارکان طلاق
۲۱.....	ج: انواع طلاق
۲۲.....	بند اول: طلاق بائن و رجعی
۲۲.....	بند دوم: طلاق حکمی و قراردادی
۲۳.....	گفتار دوم: فسخ و رد
۲۵.....	گفتار سوم: انفساخ
۲۶.....	گفتار چهارم: مهریه
۲۷.....	گفتار پنجم: نفقه
۳۲.....	گفتار ششم: اجرت المثل
۳۳.....	گفتار هفتم: نخله
۳۵.....	مبحث دوم: حکم تکلیفی طلاق و نکاح
۳۵.....	گفتار اول: حکم تکلیفی نکاح
۳۶.....	گفتار دوم: حکم تکلیفی طلاق
۳۷.....	مبحث سوم: وضعیت اموال موجود در زندگی مشترک
۳۷.....	گفتار اول: اختلاف در مالکیت اموال
۳۸.....	الف: در صورت وجود دلیل مالکیت
۳۸.....	ب: در صورت عدم وجود دلیل مالکیت
۳۸.....	بند اول: اقوال فقیهان
۴۱.....	بند دوم: موضع قانونگذاری
۴۲.....	گفتار دوم: کیفیت ضمانت نسبت به اموال طرف مقابل
۴۵.....	فصل اول: نفقه، بعد از انحلال نکاح
۴۷.....	مبحث اول: سبب وجوب نفقه بر شوهر
۴۷.....	گفتار اول: استحقاق حبسی که در نتیجه ی عقد برای زوج به دست آمده

۴۸	گفتار دوم: زوجیت.....
۴۹	گفتار سوم: سلطه ایجاد شده به نفع زوج.....
۴۹	گفتار چهارم: قوام بودن مرد نسبت به زن.....
۵۰	گفتار پنجم: مشارکت.....
۵۱	مبحث اول: نفقه بعد از طلاق.....
۵۲	گفتار اول: نفقه در طلاق بائن.....
۵۵	گفتار دوم: در طلاق رجعی.....
۵۶	الف: وابستگی نفقه به عدم نشوز در حال عده.....
۶۱	ب: عدم سقوط نفقه با بذل حقوق مالی.....
۶۲	ج: جرم ترک انفاق در حال عده.....
۶۴	د: فسخ عقد در حال عده.....
۶۵	ه: تأثیر شرط اسقاط حق رجوع.....
۶۶	گفتار سوم: تأثیر ارتداد پس از طلاق و در مدت عده.....
۶۶	گفتار چهارم: تأثیر حبس زوجه بر نفقه در مدت عده.....
۶۷	گفتار پنجم: نفقه زن حامله.....
۶۸	الف: شرط تحقق نفقه و نوع آن.....
۶۹	ب: نفقه، برای حمل یا برای زن.....
۷۲	گفتار ششم: نفقه برای طفلی که مادر حضانت او را بر عهده دارد.....
۷۲	الف: امکان طرح دعوی از سوی مادر برای مطالبه نفقه فرزند.....
۷۴	بند اول: عدم پذیرش ولایت قهری برای مادر.....
۷۶	بند دوم: اعطای نمایندگی به مادر.....
۷۶	ب: وضعیت توافق زوجین در مورد پرداخت نفقه فرزند بعد از طلاق.....
۷۸	مبحث دوم: نفقه برای حامله ی بائن بعد از فسخ.....
۷۹	مبحث سوم: نفقه بعد از انفساخ عقد.....
۷۹	گفتار اول: نفقه در عده وفات.....
۸۱	گفتار دوم: نفقه بعد از انفساخ با ارتداد.....
۸۲	گفتار سوم: نفقه بعد از انفساخ با لعان و تغییر جنسیت.....
۸۳	مبحث چهارم: تأثیر عدم پرداخت نفقه.....
۸۳	گفتار اول: تأثیر پرداخت نفقه بعد از صدور حکم طلاق و قبل از اجرای آن.....
۸۶	گفتار دوم: عدم پذیرش دعوی اعسار زوج.....
۸۶	الف: دعوی اعسار بدون محکومیت سابق.....
۸۸	ب: پذیرش حکم اعسار «صادر شده در محکومیت های سابق».....
۸۹	گفتار سوم: انصراف ماده ۲۹ از طلاق به درخواست زوجه.....

مبحث پنجم: دادگاه صالح برای طرح دعوی نفقه.....	۹۰
گفتار اول: بند ب ماده ۹ قانون شورای حل اختلاف.....	۹۱
گفتار دوم: رأی وحدت رویه شماره ۷۷۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور.....	۹۲
الف: مقدمه.....	۹۲
ب: گزارش پرونده.....	۹۲
ج: نظریه نماینده دادستان کل کشور.....	۹۶
د: رأی وحدت رویه شماره ۷۷۳ - ۱۳۹۷/۹/۲۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور.....	۹۷
گفتار سوم: اختلاف در صلاحیت از جهت میزان خواسته.....	۹۸
مبحث ششم: امکان مطالبه خسارت تأخیر تادیه.....	۱۰۱
گفتار اول: عدم شمول ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی.....	۱۰۱
گفتار دوم: تأثیر صدور حکم محکومیت از دادگاه.....	۱۰۲
فصل دوم: مهریه، بعد از انحلال نکاح.....	۱۰۳
مبحث اول: امکان اخذ مهریه و میزان آن.....	۱۰۳
گفتار اول: وضعیت مهریه در فرض انحلال عقد.....	۱۰۴
الف: در فرض فسخ عقد.....	۱۰۴
ب: در فرض طلاق.....	۱۰۴
ج: در فرض انفساخ.....	۱۰۵
د: تأثیر وجود ضامن برای پرداخت مهریه.....	۱۰۸
گفتار دوم: مطالبه مهریه به نرخ روز.....	۱۰۹
الف: قبل از صدور حکم توسط دادگاه.....	۱۰۹
ب: بعد از صدور حکم توسط دادگاه.....	۱۱۴
ج: مقدار مهریه در صورت عدم تعیین مهر یا تعیین مهر فاسد.....	۱۱۵
د: مطالبه مهریه پس از فوت یکی از زوجین.....	۱۱۶
مبحث دوم: تنصیف مهریه.....	۱۱۸
گفتار اول: تنصیف مهریه در صورت طلاق و بذل مدت.....	۱۱۸
الف: مملک یا مخیر بودن طلاق.....	۱۱۹
ب: امکان استرداد نصف در صورت پرداخت.....	۱۲۰
ج: تنصیف مهریه با بذل مدت.....	۱۲۴
گفتار دوم: تنصیف مهریه در فرض فسخ و انفساخ عقد.....	۱۲۴
الف: عدم تنصیف مهریه.....	۱۲۵
ب: تنصیف مهریه.....	۱۲۶
ج: عدم تنصیف مهریه در صورت فوت قبل از زناشویی.....	۱۲۷

۱۲۷	مشهور: عدم تنصیف مهریه
۱۲۸	تنصیف مهریه
۱۲۹	گفتار سوم: تاثیر ابراء مهریه بر رجوع زوج به نصف متزلزل
۱۲۹	الف: ابراء بعد از طلاق
۱۲۹	ب: ابراء قبل از طلاق
۱۳۱	مبحث سوم: مهریه در طلاق خلع و مبارات
۱۳۱	گفتار اول: میزان بذل
۱۳۳	گفتار دوم: بذل در ازای طلاق
۱۳۵	گفتار سوم: رجوع در بذل
۱۳۵	الف: طریقه و روش رجوع به بذل
۱۳۸	ب: رجوع به قسمتی از بذل
۱۳۹	ج: شرایط رجوع به بذل
۱۴۰	د: رجوع به مهریه ابراء شده در طلاق خلع
۱۴۲	ه: عدم قابلیت انقضاء حق رجوع
۱۴۵	گفتار چهارم: بطلان خلع و مبارات
۱۴۶	الف: بطلان خلع به دلیل بطلان بذل
۱۴۶	ب: بطلان خلع به دلیل منع از آن
۱۴۹	گفتار پنجم: اختلاف در خلع
۱۵۱	مبحث چهارم: وضعیت مهریه پس از رد موقوف
۱۵۲	گفتار اول: در فرض تنفیذ عقد
۱۵۲	گفتار دوم: در فرض رد عقد
۱۵۳	مبحث پنجم: عقد فاقد مهریه یا دارای مهریه باطل
۱۵۳	گفتار اول: عقد فاقد مهریه
۱۵۵	گفتار دوم: عقد با مهریه باطل
۱۵۶	مبحث ششم: وضعیت مهریه در فرض فسخ عقد
۱۵۷	گفتار اول: تعلیق پرداخت مهریه به تحقق زناشویی
۱۵۹	گفتار دوم: وضعیت مهریه در صورت تدلیس
۱۵۹	الف: اختیار فسخ در صورت تدلیس
۱۶۰	ب: وضعیت مهریه در صورت فسخ با خيار تدلیس
۱۶۴	ج: تدلیس در نتیجه کتمان ازدواج سابق
۱۶۶	مبحث هفتم: اختلاف زوجین در مورد مهریه
۱۶۷	گفتار اول: اختلاف در اصل پرداخت
۱۶۷	گفتار دوم: اختلاف در مال پرداخت شده

گفتار سوم: اختلاف در استطاعت.....	۱۷۰
مبحث هشتم: رجوع به «مهریه بخشیده شده».....	۱۷۲
گفتار اول: ماهیت ابراء و تاثیر آن در امکان رجوع.....	۱۷۲
گفتار دوم: اختلاف در ابراء یا «بذل در ازای طلاق».....	۱۸۰
گفتار سوم: موارد امکان رجوع.....	۱۸۱
الف: ابراء باطل.....	۱۸۱
ب: ابراء در مرض متصل به موت.....	۱۸۱
ج: وضعیت ابراء همراه با شرط رجوع.....	۱۸۲
گفتار چهارم: صلح مهریه با شرط خیار دائمی.....	۱۸۲
گفتار پنجم: عدم قابلیت رجوع در ابراء معلق و ابراء مشروط.....	۱۹۰
الف: عدم تأثیر «شرط حق رجوع» در ابراء مطلق.....	۱۹۳
دلیل اول: عدم جریان خیار در ایقاعات.....	۱۹۳
بند اول: وضعیت حقوقی شرط در ضمن ایقاع.....	۱۹۳
بند دوم: عدم جریان خیار شرط در ایقاعات.....	۱۹۶
بند سوم: عدم جریان سایر خیارات در ایقاعات.....	۲۰۱
دلیل دوم: مخالفت با قاعده «الساقط لا يعود».....	۲۰۲
ب: ابراء همراه با شرط رجوع در صورت قبول ابراء شونده.....	۲۰۴
بند اول: مقایسه شرط ابتدایی و ابراء همراه با شرط رجوع.....	۲۰۵
بند دوم: مقایسه صلح در مقام ابراء با ابراء همراه با شرط رجوع.....	۲۰۷
ج: ابراء همراه با شرط فاسخ.....	۲۰۸
فصل سوم: ارث زوجین پس از انحلال عقد.....	۲۱۱
مبحث اول: شرایط ارث بردن زوجین از یکدیگر.....	۲۱۲
گفتار اول: دوام زوجیت و وضعیت توارث در نکاح منقطع.....	۲۱۲
الف: عدم توارث حتی با شرط ضمن عقد.....	۲۱۳
ب: عدم توارث تنها در صورت شرط ضمن عقد.....	۲۱۶
ج: توارث با شرط ضمن عقد.....	۲۱۷
گفتار دوم: عدم وجود منع از ارث.....	۲۱۹
گفتار سوم: عدم انعقاد عقد در مرض متصل به موت.....	۲۲۰
مبحث دوم: ارث پس از طلاق.....	۲۲۳
گفتار اول: تفاوت حکم در طلاق بائن و رجعی.....	۲۲۳
گفتار دوم: احکام طلاق مریض.....	۲۲۴
الف: ارث زوجیه.....	۲۲۵

۲۲۶	ب: ارث زوج.....
۲۲۶	مبحث سوم: ارث پس از فسخ و انفساخ عقد.....
۲۲۶	گفتار اول: وضعیت توارث بعد از انفساخ.....
۲۲۷	الف: انفساخ با لعان.....
۲۲۷	ب: انفساخ با ارتداد.....
۲۲۸	گفتار دوم: توارث در زمان عدهی بعد از فسخ.....
۲۲۸	مبحث چهارم: کیفیت ارث زوجه.....
۲۲۹	گفتار اول: نحوه محاسبه قیمت اموال غیرمنقول.....
۲۳۲	گفتار دوم: ارث زوجین از خیار.....
۲۳۳	گفتار سوم: میزان سهم الارث زوجه.....
۲۳۷	فصل چهارم: مصادیق مالی غیر قطعی.....
۲۳۷	مبحث اول: اجرت المثل.....
۲۳۸	گفتار اول: اسباب ایجاد تعهد.....
۲۳۸	الف: استیفاء.....
۲۴۰	ب: منع دارا شدن غیر عادلانه.....
۲۴۱	ج: اولویت اجرت در سایر اعمال نسبت به شیردادن به فرزندان.....
۲۴۳	د: حرمت عمل مسلمان.....
۲۴۴	بند اول: فقدان تراضی.....
۲۴۴	بند دوم: فقدان قهر و غلبه.....
۲۴۴	بند سوم: استناد فعل به غیر عامل.....
۲۴۵	هـ- بنای عقلا.....
۲۴۶	و- اخلاق و انصاف.....
۲۴۷	گفتار دوم: پیشینه بحث اجرت المثل.....
۲۴۷	الف- پیشینه فقهی.....
۲۴۹	ب- پیشینه قانونی.....
۲۴۹	گفتار سوم: امکان مطالبه اجرت المثل از منظر فقه مذاهب اسلامی.....
۲۵۰	الف- عدم امکان مطالبه اجرت المثل به دلیل وجوب شرعی انجام امور منزل.....
۲۵۰	بند اول: وجوب شرعی انجام امور منزل بدون امکان الزام قضایی زن.....
۲۵۲	بند دوم: وجوب انجام امور منزل به دلیل حکم عرف.....
۲۵۲	بند سوم: وابستگی وجوب انجام امور منزل به شأن و منزلت زن.....
	ب- عدم وجوب انجام امور منزل بر زوجه از نظر شرعی و قانونی و امکان مطالبه
۲۵۳	اجرت المثل.....

سرآغاز

در دین مبین اسلام، زندگی مشترک زوجین با عقد نکاح شروع می‌شود و با طلاق، فوت، فسخ و یا انفساخ عقد پایان می‌پذیرد. از نظر اسلام ازدواج و تشکیل خانواده بهترین و با ارزش‌ترین نهادی است که در جامعه پایه‌گذاری می‌گردد، و در مقابل طلاق و جدایی و هر چه که به فروپاشی این نهاد با ارزش کمک کند ناپسند بوده و به عنوان «بد ضروری» شناخته می‌شود. در عین تاکید فراوان بر ازدواج و توصیه به پرهیز از طلاق، از دیرباز تاکنون جامعه با این مسأله مواجه بوده، و در مواردی عقد ازدواج با طلاق، فسخ یا انفساخ منحل شده و نهاد خانواده از هم می‌پاشد. در این حالت، در عین حال که عرصه‌ی تقابل حق و تکلیف زوجین استمرار می‌یابد، روابط زوجین سابق، شکل جدیدی به خود گرفته و احکام و قواعد حقوقی متفاوت با زمان زوجیت مطرح می‌شود که در قوانین و نوشته‌های حقوقی به آن اشاره شده است. یکی از مهمترین مسائلی که در دوران پس از انحلال عقد نکاح و زوال رابطه زوجیت بین طرفین مطرح می‌شود، مسائل و مباحث ناظر به حقوق مالی است چرا که علی‌رغم ماهیت غیرمالی عقد ازدواج، آثار مالی متعددی بر آن مترتب خواهد بود و حقوق مالی‌ای همچون مهریه، نفقه، اجرت المثل و ... در نتیجه نکاح به وجود خواهد آمد که وضعیت آن در فرض انحلال نکاح، نیازمند بررسی است. از سوی دیگر مسائل مرتبط با امور مالی در جامعه اسلامی بسیار بدان اهمیت داده شده و مضمون برخی آیات قرآن آن است که اقتصاد صحیح و سالم و مستقر و امور مالی به سامان، مایه قوام جامعه اسلامی است^۱ بنابراین لازم است بیشترین تلاش در جهت دستیابی به این امر صورت گیرد تا روابط مالی افراد جامعه از برخی معضلات خلاصی یابد. همسو با این قواعد کلی و در راستای شفافیت روابط مالی زوجین در زمان طلاق، قانون‌گذار در ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ دادگاه را مکلف کرده که ضمن رأی خود و با توجه به

شروط ضمن عقد و مندرجات سند ازدواج، تکلیف جهیزیه، مهریه، اجرت المثل و نفقه زوجه و اطفال و حمل را تعیین نماید و ثبت طلاق موکول به تادیبه‌ی حقوق مالی زوجه شده است و تنها در صورتی که زوجه به ثبت آن رضایت داد یا حکم قطعی دایر بر اعسار زوج یا تقسیط محکوم به از دادگاه صادر شد بدون پرداخت حقوق مذکور طلاق ثبت خواهد شد.^۱ در هر صورت حتی اگر طلاق ثبت شود نیز الزامات مالی زوج از بین نخواهد رفت و زوجه می‌تواند اقدام به مطالبه‌ی آن نماید. با توجه به آنچه بیان شد و با توجه به اینکه پدیده طلاق در وضعیت کنونی فراگیر شده و رو به فزونی است، شناخت مصادیق حقوق مالی زوجین بعد از طلاق امری ضروری و انکارناپذیر است، این ضرورت در عمل و توسط محاکم خانواده، به طور ویژه در مواردی که خلأ قانونی وجود دارد یا قوانین راهکار روشنی ارائه نمی‌دهند بیشتر احساس می‌شود. همسو با همین فکر است که باید قانون‌گذار به سمت وضع قوانین کاملی حرکت کند و قوانین موجود که در برخی موارد دارای نوعی اجمال یا ابهام هستند اصلاح گردد، با این وجود تا آن زمان و تحقق چنین هدفی نباید دست روی دست گذاشت و منتظر اقدام قانونگذار ماند بلکه شایسته است، جامعه حقوقی شامل حقوق دانان، قضات و وکلای دادگستری ضمن تلاش برای برطرف کردن خلأهای موجود، گامی در جهت رفع مسائل مزبور و ارائه راهکار به قانون‌گذار بردارند. همچنین برخی از مسائلی که در این حوزه مطرح است و در مواردی ایجاد نزاع در محافل حقوقی نیز می‌کند، در منابع روایی و فقهی پیشینه عمیق فکری و تحلیلی دارد که بیانگر اصالت فرهنگی جامعه اسلامی در ارتباط با خانواده است. از سوی دیگر با توجه به اینکه احکام مربوط به طلاق مربوط به احوال شخصیه است نسبت به مذاهب و ادیان مختلف ممکن است تفاوت‌هایی در آن دیده شود. بخشی از این تفاوت‌ها به تفاوت در امور مالی برمی‌گردد بنابراین باید نسبت به این موارد نیز توجه کافی صورت گیرد، زیرا بر اساس ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب ۳۱ تیر ماه ۱۳۱۲ شمسی (کمسیون قوانین عدلیه): نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده محاکم باید قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد رعایت نمایند. مسأله به اینجا نیز ختم نمی‌شود و روابط مالی زوجین پس از انحلال عقد نیازمند تحلیل دقیق و جدی محاکم و دادگاه‌هاست. نگارنده با موردی مواجه

۱- عدم رعایت این تکلیف موجب نقض رأی در مراجع بالاتر خواهد بود.

شده که در آن مردی که خود کارمند بانک بوده برای اخذ وام مسکن، منزل مسکونی خود را به نام همسرش منتقل می‌کند تا همان منزل را در قرارداد دیگری از زوجه بخرد و بر اساس قرارداد خرید، وام مذکور را بگیرد. پس از انتقال آن به نام همسر، زوجه مدعی می‌گردد که این منزل را نمی‌فروشد یا به عنوان مهریه‌اش پرداخت شده است؛ در مورد دیگری مردی اسناد تجاری خود را به نام همسرش ظهنویسی می‌کند تا با توجه به اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات در برابر دارنده ثالث با حسن نیت، وصول وجه آن راحت‌تر باشد و صادرکننده نتواند در دعوای مطالبه وجه آن وارد ایرادات ماهوی رابطه‌ی خود با دارنده اول (یعنی شوهر) شود، زوجه پس از وصول وجه اسناد از واریز آن به حساب زوج امتناع کرده و ادعا می‌کند که مبلغ مذکور را به عنوان مهریه گرفته است و در مورد دیگری زوج به کرات و به میزان مهریه چک‌هایی در وجه زوجه صادر کرده و وجه نقد آن را پس از وصول از بانک از زوجه دریافت نموده و برخی از آن وجوه را از طریق کارت زوجه به مصارف شخصی رسانده و زمانی که زوجه مطالبه مهریه کرده در مقابل دعوای وی به تهاتر استناد کرده و چک‌های صادره را نیز به دادگاه ارائه کرده است در حالی که زوجه حتی یک ریال از وجوه مذکور را مشخصاً تملک نکرده و به مصرف نرسانده است. موارد گفته شده و نیز سایر مصادیق متعدد امور مالی که می‌تواند بعد از انحلال نکاح بین زوجین ایجاد اختلاف و در نتیجه طرح دعوی در محاکم دادگستری را موجب شود در این کتاب بررسی شده و تا حد ممکن به سؤالات موجود از منظر فقهی و حقوقی و رویه دادگاه‌ها پاسخ داده شده است.